



آشنایی با معماری اسلامی ایران

○ محمد کریم پیرنیا

○ تدوین: غلامحسین معماریان

○ انتشارات دانشگاه علم و صنعت

همگن برای پوشش استفاده نکرده و از اصطلاحات و نام قوس‌ها و گنبد‌ها نیز در زبان فارسی پیداست که بیشتر شکل بیضی و تخم مرغ دارند.

کتاب در ده بخش تحت عناوین بناهای تاریخی در حکم بخشی از شناسنامه فرهنگی، مسجد، مدرسه، بازار، خانه، حمام، آب انبار، رباط، میل‌ها و مناره‌های راهنما، باغ و پیوست‌هایی با عناوین مردم‌واری در معماری ایرانی، پادیاب، در و پنجره در معماری ایران، شرایط اقلیمی کویر و مسایل مربوط به بناهای خشتی همراه با واژه نامه منتشر شده است.

در پیوست نخست تحت عنوان مردم‌واری در معماری ایرانی آمده است که: چون با معماری کارآزموده ایران درباره‌ی شیوه‌های کهن این هنر نغز و مردمی به گفت و گو می‌نشینیم می‌گویند کار (بنا - ساختمان) باید مردم وار باشد. و چرا ما مردم خانه‌هایی می‌سازیم که بیرون از اندازه ماست؟ نه پهنایش به بستر ما می‌خورد و نه افزایش به بالای ما می‌آید.

در بحث پادیاب آمده است که در فارسی کهن و میانه طهارت و شست و شو را پادیاب و پادیابوی یا پادیاب و نیز طشت آب را که با آن شست و شو می‌کردند پادیاب دان می‌گفتند و همچنین جایگاه‌هایی را که برای شست و شو ساخته‌اند پادیاب نامیده می‌شده است: پادیاب ایرانی چهار دیواری کوچکی بوده است که جوی آب یا برکه‌ای در میان، رختکن‌ها و طاق نماهایی در پیرامون داشته و در بعد از اسلام در پیش مساجد و زیارتگاه‌ها نام وضوخانه گرفته است. پادیاب کم کم از پیش پرستش گاه‌ها به درون خانه‌ها نیز راه یافته و چون معماری ایرانی درون گراست تبدیل حیاط‌های گرد بسته به پادیاب و گودال باغچه لطف بسیاری به خانه‌های ایرانی داده است. کتاب حاضر با طرح‌ها، نقشه‌های متعددی در بخش‌های مختلف کتاب همراه شده است.

باتوجه به پایگاه هنر و معماری و شهرسازی در ایران، از هنر معماری آنچنان که شایسته است سخنی به میان نیامده و کمتر کسانی یافت شده‌اند که همچون ناصر خسرو علوی به جزئیات یک اثر معماری پرداخته باشند و عمدتاً این شاهکارها به توصیف‌های شاعرانه محدود شده‌اند و اشخاصی چون ابن خردادبه و اصطخری و چند تنی دیگر نیز تنها به ارائه‌ی فهرستی از بناها و شاهکارهای هنر معماری پرداخته‌اند. حتی جهانگردان خارجی نیز از بیان نکات دقیق فنی آن به ویژه منطق ریاضی و فن و ساختمان غافل شده‌اند و به لحاظ ضیق وقت بررسی عمیقی روی این آثار صورت نگرفته و تنها به بیان جلوه‌های ظاهری این هنر اکتفا کرده‌اند.

تاکنون به جلوه‌های ظاهری و زیبایی و تناسب سر درها، گنبد‌ها و ایوان‌ها اشاره‌های چندی شده است اما آنچه مهم است همانا گوهر معماری ایرانی و منطق ریاضی و عرفانی آن است. درون‌گرایی و گرایش معماران ایرانی به سوی حیاط‌ها و پادیاب‌ها و گودال باغچه‌ها و هشتی‌ها و کلاه فرنگی‌هایی است که پیرامون شبستان‌ها را گرفته از دیر زمان جزء منطق معماری ایران است.

معماری ایرانی در هیچ زمانی این کشش را از دست نداده است چنان که در کاخ‌های تخت جمشید، پیرامون حیاط، اتاق‌ها، تالارها و ایوان‌ها دیده می‌شود و یا در کاخ ساسانی سروستان و خانقاه‌ها و سراهای پس از اسلام این تمایل وجود دارد.

معمار ایرانی توانسته است وسیع‌ترین دهانه‌ها را با گسست افزود پیمون‌ها به وجود آورد و آرایش‌های گوناگونی بیافریند، به نحوی که ساختمان دو اشکوب، به اندازه‌ای از هم دور شوند که بعضی گمان برند اشکوب زیرین را بعدها بر آن اضافه کرده‌اند. از امتیازات معماری ایرانی در آن است که هرگز از مکان هندسی